

به نام اهورا مزدا



(جنگ سالامیس) نام سومین جنگ، از سرک دومین دوره جنگ‌های ایران و یونان است. سرک دوم جنگ‌ها شامل هفت جنگ بود و از سال ۴۸۰ تا ۴۷۹ پیش از میلاد، بین خشایارشا و دول یونانی رخ داد.

توضیحاتی مختصر در مورد خشایارشا

خشایارشا از پادشاهان هخامنشی است. پدرش داریوش بزرگ و مادرش آتوسا دختر کوروش بزرگ بود. داریوش پسران بسیاری داشت که بزرگترین آنها آرتابرن بود که از دختر گئوبروو همسر نخست داریوش بود. ولی داریوش، خشایارشا را که بزرگترین فرزند آتوسا دختر کوروش بود به جانشینی برگزید. خشایارشا در سن سی و شش سالگی به سلطنت رسید.

خشایارشا در صدد استفاده از اختلافات داخلی یونانیان نبود و نمی‌خواست به این کشور حمله کند. اما اطرافیان وک از جمله مردونیه داماد داریوش شکست نبرد ماراتون را مایه سرشکستگی ایران می‌دانست و خشایارشا را به انتقام فرامیخواند. یونانیان مقیم دربار ایران نیز که از حکومت این کشور ناراضی بودند، از خشایارشا درخواست می‌کردند که به یونان یورش برد. در آزمون در یونان حکومت‌های مستقلی با عنوان دولت شهر بر هریک از سرزمین‌های این کشور حکمرانی می‌کرد.

تصمیم حمله به یونان

سرانجام خشایارشا به قصد حمله به یونان به کاپادوکیه واقع در آسیای صغیر رفت و این شهر را مرکز ستاد فرماندهی خود قرار داد. وک سه سال تمام به تجهیز سپاه مشغول شد و در نهایت سپاه بزرگی که بنا به گفته هرودوت در آن، ۶۰ گونه تژاد و قوم مختلف حضور داشتند، بسیج کرد و در بهار ۴۸۰ قبل از میلاد به سوک یونان حرکت کرد. عرب‌ها، هندک‌ها، پارس‌ها، مادها، سکاها، فنیقی‌ها، مصرک‌ها و حتی ساکنان جزایر خلیج فارس نیز در این لشکرکشی حضور داشتند. البته لازم

بتذکر است که مورخان یونانی در مورد تعداد افراد قشون ایران در این لشکرکشی راه مبالغه نموده‌اند و گاه تا پنج میلیون نفر نیز ذکر کرده‌اند اما بنا بر گفتهٔ مورخان جدید تعداد لشکر خشایار بین هشتاد تا سیصد هزار نفر بوده است^[۱] که البته همهٔ آنها سرباز نبوده و بسیاریک آشپز و ملوان و ... در این ارتش خدمت مینمودند.



نبرد بزرگ ترموپیل و تصرف آتن

نبرد ترموپیل یکی از نبردهای ایران و یونان است که در سال ۴۸۰ پیش از میلاد در تنگهٔ ترموپیل، بین سپاهیان لئونیداس، پادشاه اسپارت و سپاهیان خشایارشا هخامنشی در گرفت. لئونیداس به همراه سپاهش خود را به کشتن دادند تا عقب نشینی قوم را تأمین کنند. پس از تسخیر ترموپیل توسط ایران آتن در معرض تهدید قطعی واقع شد و آتنی‌ها ناچار شدند با زنان و اطفال خویش به جانب جزیرهٔ سالامیس در جنوب آتن راه بیفتند. طولی نکشید که آتن بوسیلهٔ سپاه خشایارشا تسخیر شد و ارگ آن هم به تلافی ماجرای به آتش کشیدن سارد توسط یونانی‌ها، در زمان داریوش بزرگ طعمه حریق شد.^[۲]

جنگ دریایی سالامیس

مدارک این جنگ متأسفانه یکطرفه است زیرا هر چه ما در بارهٔ این جنگ می‌دانیم مطالبی است که هرودوت تاریخ‌نویس یونانی ذکر کرده است و در مدارک شرقی کلمه‌ای وجود ندارد. پس از نبرد ترموپیل و تسخیر آتن توسط خشایارشا در واقع جنگ ایران و یونان خاتمه یافته بود و جنگ دیگر در حقیقت هیچ ضرورتی نداشت چرا که نیروی دریایی ایران در آن هنگام بر دریاها مسلط بود.^[۳]

پس از شنیدن خبر تسخیر آتن توسط خشایارشا، یونانیان اقدام به مشورت نمودند یکی از بزرگان آتن به نام تمیستوکلس معتقد بود که در جزیره سالامیس به دفاع بپردازند اما سایر یونانیان می‌گفتند این کار بیهوده است که برای دفاع گوشه‌اک از کشوری جانبازی کنند که قلبش آتن هم اکنون در دست دشمن است و جہازات باید در دریا برای دفاع از پلوپونس بکوشند. تمیستوکلس که دید نمی‌تواند نظر خود را به دیگران بقبولاند، نامه‌ای به شاه ایران نوشت و خود را از طرفداران ایران نشان داده گفت که چون یونانیان قصد فرار دارند، وقت آن است که سپاه پارس آنان را یکسره نابود کند. خشایارشا پیغام را راست انگاشته، ناوگان مصری تحت فرماندهی ایران جزیره پنسیلوانیا را تسخیر کرد. یونانیان در جزیره سالامیس گیر افتادند و لذا گفتند «یا باید در همین جا مقاومت کنیم یا نابود شویم» و این همان چیزی بود که تمیستوکلس می‌خواست.

آرتمیس ساتراپ زن کاریا به گفته هردوت تنها کسی بود که قبل از جنگ با شرکت ایران، در این جنگ مخالفت کرد. قبل از شروع جنگ دریایی سالامیس، خشایارشا از همه امیران محلی و فرماندهان دریایی نظرشان را راجع به جنگ دریایی خواسته بود. پاسخ‌ها تماماً در تأیید جنگ دریایی با نیروی بحریه یونان بود، مگر نظر آرتمیس، او گفت «من که در تمامی نبردهای شاه به لحاظ شجاعت و فداکاری از احدی کمتر نبوده‌ام، عرضم این است که نیروهای خود را بی‌جهت تلف نکنید و از رزم دریایی احتراز جوئید زیرا یونانیان در کار دریا برتری دارند. چه الزامی در این کار است؟» اما فرمان شاه بر آن شد که رأی اکثریت به کار بسته شود و خود شاه شخصاً ناظر جریان جنگ باشد. با شروع جنگ آرتمیس نیز علی‌الرغم مخالفت اولیه، فرماندهی پنج کشتی جنگی را برعهده گرفته و در نبرد شرکت کرد.^[۴]

نیروی دریایی ایران برخلاف کشتی‌های یونانی که آرایش صف را اختیار کرده بودند به دلیل تنگی جا بطور ستونی اقدام به حمله کرد و ناگهان زیر آتش نیروهای دشمن قرار گرفت. جنگ تا شب ادامه داشت و در این جنگ بیش از نیمی از کشتی‌های ایران نابود شد و لذا سپاه ایران اقدام به عقب نشینی کرد. یونانیان که ابتدا متوجه پیروزی خود نشده بودند در صبح روز بعد با شگفتی دیدند که از کشتی‌های ایرانی خبری نیست! تمیستوکلس بعد از این پیروزی گفت «حسادت خدایان نخواسته که يك شاه واحد بر آسیا و اروپا حکمرانی کند.»

در همین زمان خشایارشا اخبار بدی از ایران دریافت کرد و لذا اقدام به مشاوره با سرداران خود نمود. نظر مردونیه این بود که خود وک با تعدادی سپاهی برای تسخیر کامل یونان در این سرزمین باقی بمانند و خود خشایارشا به ایران بازگردد.

پس از شنیدن خبر تسخیر آتن توسط خشایارشا، یونانیان اقدام به مشورت نمودند یکی از بزرگان آتن به نام تمیستوکلس معتقد بود که در جزیره سالامیس به دفاع بپردازند اما سایر یونانیان می‌گفتند این کار بیهوده است که برای دفاع گوشه‌اک از کشوری جانبازی کنند که قلبش آتن هم اکنون در دست دشمن است و جہازات باید در دریا برای دفاع از پلوپونس بکوشند. تمیستوکلس که دید

نمی‌تواند نظر خود را به دیگران بقبولاند. نام‌هاک به شاه ایران نوشت و خود را از طرفداران ایران نشان داده گفت که چون یونانیان قصد فرار دارند، وقت آن است که سپاه پارس آنان را یکسره نابود کند. خشایارشا پیغام را راست انگاشته، ناوگان مصرک تحت فرماندهی ایران جزیره پنسیلوانیا را تسخیر کرد. یونانیان در جزیره سالامیس گیر افتادند و لذا گفتند «یا باید در همین جا مقاومت کنیم یا نابود شویم» و این همان چیزی بود که تمیستوکلس می‌خواست.

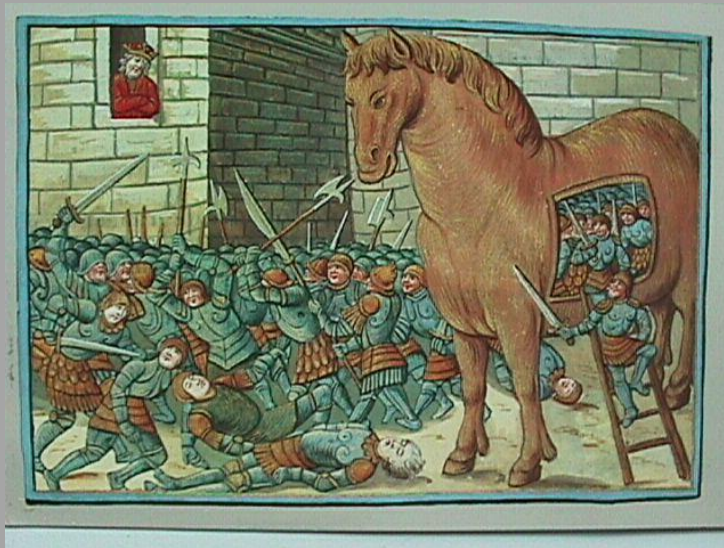


آرتمیس ساتراپ زن کاریا به گفته هردوت تنها کسی بود که قبل از جنگ با شرکت ایران، در این جنگ مخالفت کرد. قبل از شروع جنگ دریایی سالامیس، خشایارشا از همه امیران محلی و فرماندهان دریایی نظرشان را راجع به جنگ دریایی خواسته بود. پاسخ‌ها تماماً در تأیید جنگ دریایی با نیروی بحریه یونان بود، مگر نظر آرتمیس، او گفت «من که در تمامی نبردهای شاه به لحاظ شجاعت و فداکاری از احدی کمتر نبوده‌ام، عرضم این است که نیروهای خود را بی‌جهت تلف نکنید و از رزم دریایی احتراز جوئید زیرا یونانیان در کار دریا برترک دارند. چه الزامی در این کار است؟» اما فرمان شاه بر آن شد که رأی اکثریت به کار بسته شود و خود شاه شخصاً ناظر جریان جنگ باشد. با شروع جنگ آرتمیس نیز علی‌الرغم مخالفت اولیه، فرماندهی پنج کشتی جنگی را برعهده گرفته و در نبرد شرکت کرد.^[۴]

نیروی دریایی ایران برخلاف کشتی‌های یونانی که آرایش صف را اختیار کرده بودند به دلیل تنگی جا بطور ستونی اقدام به حمله کرد و ناگهان زیر آتش نیروهای دشمن قرار گرفت. جنگ تا شب ادامه داشت و در این جنگ بیش از نیمی از کشتی‌های ایران نابود شد و لذا سپاه ایران اقدام به عقب نشینی کرد. یونانیان که ابتدا متوجه پیروزی خود نشده بودند در صبح روز بعد با شگفتی دیدند که از

کشتی‌هاک ایرانی خبرک نیست! تمیستوکلس بعد از این پیروزی گفت «حسادت خدایان نخواستہ کہ یک شاه واحد بر آسیا و اروپا حکمرانی کند.»

در همین زمان خشیایارشا اخبار بدک از ایران دریافت کرد و لذا اقدام به مشاوره با سرداران خود نمود. نظر مردونیه این بود کہ خود وک با تعدادک سپاهی برای تسخیر کامل یونان در این سرزمین باقی بمانند و خود خشیایارشا به ایران بازگردد.



<http://parsiandej.ir>

پارسیان دژ مرجع ایران شناسی